اگر رشد پایدار و استقلال ملی می خواهیم باید هزینه های آن را هم بپردازیم

رئیس اتاق ایران در مصاحبه با مجله اقتصادی پیام امروز اگر رشد پایدار و استقلال ملی می‏خواهیم‏ باید هزینه‏های آن را هم بپردازیم

رشد اقتصادی ایران را با هیچ کشوری مقایسه نکنید زیرا ما روی پاهای خود ایستاده‏ایم.

متن مصاحبه مجله اقتصادی پیام امروز با آقای مهندس خاموشی رئیس اتاق‏ ایران و نماینده مردم تهران در مجلس‏ شورای اسلامی

ماهنامه اقتصادی پیام امروز،در روزهای پایانی سال 73 مصاحبه‏ای با جناب آقای مهندس سید خاموشی رئیس‏ اتاق ایران و نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی ایران بعمل آورد که در زیر متن آنرا مطالعه مینمائید.

مجله،سئوالات خود را بطور یکجا طرح کرد و مهندس خاموشی نیز یکجا به آن پاسخ گفت.هدف از اینگونه‏ پرسش و پاسخ این بود که انسجام مطالب‏ برای خواننده بهتر حفظ شود.از آنجا که این مصاحبه کلا مربوط به مسائل‏ اقتصادی روز کشور است،عینا"در نامه‏ اتاق بازرگانی‏"چاپ میشود.اینکه این‏ شما و این هم متن مصاحبه با رئیس اتاق‏ ایران:

پیام امروز:

در چند ماهه آخر سال،زمزمه‏ای در میان مردم موجود است که سال آینده‏ (1374)قیمتها بطور سرسام‏آوری‏ افزایش خواهد یافت.طبیعی است که‏ مردم عادی بر پایه شم،حدسیات‏ و تجربیات خود چنین میگویند.از نظر شما که با کیفیت کار تصمیم‏گیرها و سیاستگزاری‏های اقتصادی در شرائط اقتصادی کشورمان آشنائید،وضع‏ اقتصادی و سیر قیمتها را چگونه میبینید و چه تصویری برای اقتصاد ایران ترسیم‏ میکنید؟به این پرسش از هر زاویه‏ای‏ که مایلید میتوانید پاسخ دهید.درعین‏ حال مطرح فرمائید که خانواده‏های‏ ایرانی در برابر موج‏شکننده افزایش‏ قیمتها چگونه باید عمل کنند و شما درباره هزینه خانوار برای خودتان‏ چگونه عمل خواهید کرد؟

مهندس خاموشی:

سئوالات خود را یکجا و با توجه به‏ دگرگونیهای در شرف تکوین جامعه و رو به آینده طرح کردید و این جای‏ خوشوقتی دارد که مطبوعات ما به‏ مسئولیتهای خود در قبال جامعه توجه‏ جامع پیدا می‏کنند.

شک نیست که افزایش قیمت بسیاری‏ از کالاهای دولتی از اول سال آینده در بودجه سال 74 کشور پیش‏بینی و تصویب شده است و طبعا این افزایش‏ به سایر کالاها نیز تسری خواهد کرد و چنانچه جناب آقای رئیس جمهوری‏ در چند مورد اظهار داشته‏اند مردم ما برای رسیدن به رشد و توسعه،جهاد مقدس و سالهای دشواری را در پیش‏ خواهند داشت.

ملت ما بعنوان یک پیکر واحد-که‏ خوشبختانه از عهده آزمایش آن برآمده‏ است-با تائیدات الهی و هوش و پشتکار خود بر دشواریها غلبه خواهد کرد. شما رشد اقتصاد ایران را با هیچ کشوری‏ مقایسه نکنید،برای اینکه ما داریم‏ روی پای خودمان راه میرویم و نه با چوب دستی‏های دیگران که هر وقت‏ مایل بودند از زیر بغل ما بکشند و سرنگونمان‏ کنند.اگر توجهی به ساختار بودجه سال 74 بکنید و آن را با هدفهای‏ برنامه دوم مقایسه کنید می‏بیند که‏ درست هم هدف و همسو تنظیم شده. هدف از هزینه‏هائی که مجلس افزایش‏ آنها را تصویب کرد این نبود که فقط پولی برای خزانه دولت فراهم شود. ساختار برنامه عمرانی دولت نیز با دیگر برنامه‏ها متفاوت است.به این‏ معنی که این برنامه تحت کنترل‏ بودجه‏های سالانه کشور قرار دارد و کدام‏ کنترلی مؤثرتر از کنترل مالی می‏تواند باشد؟.در مورد هر افزایشی که در بودجه تصویب شده،بلافاصله دولت‏ موظف شده است که درآمد حاصله را از یکطرف به خزانه عمومی بریزد و از سوی‏ دیگر هر مورد را منحصرا به موارد خاص‏ تعیین شده برساند.کار تا حد وسواس‏ صورت گرفته یعنی در بسیاری موارد حتی سهم هر سازمان و هر استان،حتی‏ گاه بصورت سرانه،تعیین شده است. چنین دقتی در نوشتن و بررسی و تصویب‏ بودجه در مملکت ما بی‏سابقه است. حال دولت تا چه حد موفق به اجرای‏ صحیح آن شود،آن مسأله دیگری است. اما خوشبختانه قانون اساسی جمهوری‏ اسلامی ایران با گشاددستی،قوه مقننه‏ را در هرگونه نظارت و بازرسی امور مملکتی در هر مرحله و برای هر موضوع‏ آزاد گذاشته است.

اینک مسأله اینست که آیا ما مطالب‏ رشد مداوم اقتصادی همه جانبه و پایدار هستیم یا نه؟اگر جواب مردم ما به این‏ سئوال مثبت است،فوراسئوال دوم‏ مطرح میشود:هزینه‏های رشد از کجا باید تأمین شود؟آیا باید برویم قرض‏ بگیریم و بهره‏های سنگین و اسارتهای‏ آنرا نیز تحمل و تجربه‏های تلخ گذشته‏ را تکرار کنیم.من با شناختی که از مردم‏ کشورمان دارم با صراحت میگویم که‏ مردم ما چنین چیزی نمی‏خواهند. سوبسیدها باید بتدریج بصورت نقدی درآید و به خانواده‏های نیازمند تعلق گیرد.

باید فقر و استضعاف را ریشه‏کن کنیم و برای‏ این امر وسایل کار و آموزش لازم را در اختیار بیکاران قرار دهیم.

مردم ما باید صرفه‏جویی کنند.ما هنوز صرفه‏جویی کردن را یاد نگرفته‏ایم.

بانکها برای گردآوری بیشتر سرمایه و توزیع‏ صحیح و سریع آن باید بیشتر فعالیت کنند.

ناچار باید به داخل و به خودمان متکی‏ باشیم.البته این امر الزاما به آن‏ معنی نیست که دولت دائما دستش‏ جلو مردم دراز باشد و پول بطلبد.

عالی‏ترین شکل رشد آنست که دولت‏ برنامه‏ریزی و هدایت کند و مردم فعالیت‏ نمایند و برای خودشان و کشورشان‏ ارزش‏افزوده ایجاد کنند.دیگر اینکه‏ دولت منابع ثروت کشور را درست‏ شناسائی کند و مورد بهره‏برداری‏ اقتصادی قرار دهد.سه دیگر اینکه‏ کسانی که از خدمات خاصی استفاده‏ میکنند هزینه آنرا هم تقبل کنند. فرضا کسی که از رفاه اتومبیل‏ سواری شخصی استفاده میکند باید هزینه‏های آنرا-و از آن جمله قیمت‏ عادلانه بنزین را-و نیز سهم خود را در پاکسازی محیط زیست،بپردازد. حال اگر چنین آدمی در قبال افزایش‏ قیمت بنزین فریاد برآورد،بگذار تا هر کجا میخواهد داد بزند.

با اینهمه مسأله به همین جا ختم‏ نمی‏شود.افزایش قیمتها یک امر سرایت‏کننده است.یعنی خانواده‏های‏ نیازمند و حقوق و دستمزد بگیرها نیز صدمه می‏بینند.در اینجاست که‏ دولت باید تا حد امکان به یاری این‏ افراد بشتابد.یاری کردن از یک‏ مستضعف نیز الزاما بمعنی عاجز پروری نیست.بلکه عادلانه‏ترین‏ و شرافتمندانه‏ترین آن اینست که‏ دولت-همانطور که در قانون اساسی‏ تصریح شده است-وسیله کار و راه‏ پیشرفت را در اختیار این افراد قرار دهد.یک راه موثر این امر کاستن از ابعاد دستگاه دولتی و توسعه خصوصی‏ سازی و واگذاری فرصتهای شغلی به‏ مردم عادی است.اما بهر صورت،در چارچوب ملی،جامعه‏ایکه میخواهد پیشرفت کند باید تحمل سختی‏های‏ آنرا هم داشته باشد.آیا اگر قدرت‏ شگرف تحمل و فداکاری و ایثارگری ملت‏ ما در جنگ تحمیلی هشت ساله نبود ما اینک می‏توانستیم اینگونه آزادانه‏ با یکدیگر گفتگو کنیم؟

در مورد تورم و هزینه‏ها در سال 74 باید بگویم هدف برنامه دوم اینست‏ که تورم در سطح اندکی بالاتر از 12 درصد مهار شود.من شخصا فکر نمی‏کنم‏ دولت بتواند ظرف یکسال تورم را از 34 درصد به 12 درصد تقلیل دهد،آنهم‏ در سالی که ناچار از یکطرف بسیاری از هزینه‏ها افزایش می‏یابد و از سوی دیگر برنامه عمرانی-که ذاتا خصلت تورم‏ زائی دارد،به مورد اجرا گذاشته میشود. با اینهمه همه ما دعا و به سهم خود کمک‏ میکنیم که دولت در این نیت خیر موفق‏ شود.همین‏که دولت در این نیت خیر موفق‏ شود.همین‏که دولت متوجه و مصمم شده‏ است تورم را مهار کند خود یک نوع‏ پیشرفت است.

اما اینکه من چه تصویری از آینده‏ اقتصاد ایران دارم،باید بگویم من به‏ آینده کاملا امیدوار هستم.شرائط هرچه باشد از شرائط جنگ تمام عیاری، که با شرکت همه جانبه استکبار جهانی، برما تحمیل شد،بدتر نیست.پایمردی‏ ملت‏مان را دیدید و نتیجه درخشان‏ آنرا.بگذارید یک مثال آشکار بزنم: یک وقت باور عمومی این شده بود که اگر امریکا از ما فرش نخرد فرش ایران بکلی‏ خواهد مرد،در حالیکه در تحریم کنونی‏ اقتصادی ایران از سوی امریکا فرشهای‏ نفیسی در ایران بافته می‏شود که هرگز پیش‏از آن سابقه نداشته است و حجم‏ بافت چنان است که فروشندگان فریاد برداشته‏اند که کمتر بیافید.شاید برای‏ شما دشوار باشد که قبول کنید ارزش‏ تولید ملی ما در سال 1365 فقط 5/8 درصد به واردات وابسته بوده است.

کشور شبه‏قاره‏ای ما-آنچنان‏که طی‏ تاریخ طولانی خود بارها ثابت کرده- میتواند روی پای خود بایستد و راه‏ پیشرفت را ادامه دهد.هیچ دلیلی‏ برای ناامید شدن وجود ندارد،بعکس همه شواهد از امید مثبت به آینده‏ حکایت میکند.منتهی کار یک کشور مستقل،کار یک روز و دو روز نیست.در این ره به صبر و استقامت،کار سازنده، یافتن منابع تازه ثروت و بهره‏برداری‏ بهینه از آنها و بالا بردن مداوم ارزش‏ افزوده نیاز داریم.

اما اینکه:خانواده‏های ایرانی در برابر موج‏شکننده افزایش قیمتها چگونه باید عمل کنند؟من برای کسی‏ نسخه نمی‏نویسم ولی نظر خودم را میگویم:نخست این دو بیت را از سعدی‏ شیرازی در نظر داشته باشیم:"

چو دخلت نیست خرج آهسته‏تر کن‏ که‏ میخوانند ملاحان سرودی.

اگر باران به‏ کوهستان نبارد بسالی دجله گردد خشک رودی."

حقیقتا مردم باید صرفه‏جوئی کنند.ما هنوز راه‏ صرفه‏جوئی را یاد نگرفته‏ایم.فکر کنید حتی در همین گرانی و تورم،هریک از ما چقدر کالاهائی می‏خریم که هرگز به درد ما نمی‏خورد؟یا چقدر میوه و نان خشک‏ و غذاهای مانده را دور می‏ریزیم.هر خانه بصورت یک داروخانه کوچک‏ درآمده.اگر کمترمصرف کنیم هم رفاه‏ و اطمینان بیشتری به آینده خواهیم‏ داشت.هم کالا به همه میرسد و هم از شتاب افزایش قیمتها کاسته میشود. دیگر اینکه ما باید بکار تولیدی مولد و مفید دست بزنیم و هرچه ممکن است‏ حجم تولید را بالا ببریم،چه حقوق- بگیر باشیم و چه برای خود کار کنیم.

بانکها هم گردآوری بیشتر سرمایه‏ و توزیع صحیح و سریع آن در امور تولیدی‏ باید بیشتر فعالیت کنند.دولت هم‏ باید بتدریج سوبسیدها را بصورت‏ نقدی به خانواده‏های نیازمند،و آنهم‏ به نسبت درصدی که خودشان تولید میکنند و برای مدت محدود،درآورد. هدف باید این باشد که فقر از جامعه‏ ریشه‏کن شود.

و بالاخره شخصا درباره هزینه‏ خانوار خودم چگونه عمل خواهم کرد. قلبا مایل نبودم وارد بحث خصوصی‏ شوم.اما حالا که سوأل کرده‏اید جواب‏ میدهم:منهم مانند اکثر مردم متوسط جامعه زندگی میکنم.قناعت و توکل‏ به خدا و کار بی‏وقفه جزو جدانشدنی‏ باورها و زندگی من است.با تشکر.